

اسناد و شواهد زیارت اربعین

محمد رضا جواهری*

چکیده

زیارت اربعین عظیم‌ترین اجتماع انسان‌ها در سراسر جهان و بزرگ‌ترین مراسم مذهبی شیعیان به شمار می‌رود که نقش ارزنده‌ای در نمایش قدرت شیعه و گسترش اهداف اسلام شیعی در میان ملت‌ها دارد؛ از این‌رو دشمنان شیعه از همه‌گروه‌ها و مکتب‌های دینی و سیاسی می‌کوشند با ایجاد شبهه و تردید و بدعت خواندن این مراسم عبادی - سیاسی، شیعیان را در انجام آن دلسرد کنند.

ارائه اسناد و شواهد علمی و تاریخی دقیق، متقن و معتبر در اثبات اصالت و حقانیت این مراسم معنوی می‌تواند ضمن آشکار کردن نیرنگ و فریب دشمنان تشیع و اهل بیت علیهم‌السلام زمینه‌ساز برگزاری هرچه باشکوه‌تر این اجتماع عظیم دوست‌داران سیدالشهدا علیه‌السلام باشد.

این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی کوشیده اسناد و شواهدی از حدیث، تاریخ و سیره معصومان علیهم‌السلام ارائه دهد تا دوست‌داران امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام با بهره‌گیری از آنها بتوانند به شبه افکنی و توطئه بدخواهان و کج‌اندیشان پاسخ دهند.

در همین راستا این نوشتار ضمن ارائه اسناد و شواهد تاریخی و حدیثی، به ذکر سند روایی زیارت اربعین و بخشی از متن آن پرداخته، سپس به نقش جابر بن عبدالله انصاری در نخستین زیارت اربعین اشاره کرده و در پایان، نتایج پژوهش را پیش چشم خواننده قرار داده است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه‌السلام، زیارت اربعین، شبهات، اسناد، شواهد.

*. عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد (javaheri@ferdowsi.um.ac.ir).

مقدمه

اربعین در صدر فهرست بزرگ ترین اجتماعات مسالمت آمیز جهان قرار دارد. اربعین با شکوه ترین مراسم مذهبی در سراسر کره زمین است. اربعین صدای عقلانیت و حقانیت تشیع در جهان است و به طور طبیعی در راستای تقویت تشیع قرار دارد و زمینه ساز گسترش اهداف اسلام شیعی در میان ملت هاست. اربعین نشان دهنده صراط مستقیم هدایت به جهانیان و زیباترین گردهمایی جهانی آزادی خواهان و حق طلبان است. این نقش بزرگ و اثر جهانی زیارت اربعین را باید شناخت و شناساند. همین جایگاه عالی و بی نظیر است که دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام را به ابهام آفرینی و شبهه پراکنی درباره مراسم اربعین کشانده است. از این رو شایسته است ریشه ها و مدارک و تاریخ و اسناد آن روشن گردد و اعتبار و ارزش دینی آن آشکار شود. باید به این پرسش ها درباره زیارت اربعین پاسخ داد: مدارک حدیثی زیارت اربعین چیست؟ منابع تاریخی درباره زیارت اربعین چه نوشته اند؟ اسناد دینی زیارت اربعین کدام است؟ شواهد تاریخی زیارت اربعین کجاست؟ اصول کلامی زیارت اربعین چیست؟ آیا زیارت اربعین بدعت و پدیده ای جدید نیست؟ دلایل اعتبار و مشروعیت مشروعیت زیارت اربعین چیست و از چه راه هایی ثابت می گردد؟ دلایل قداست و استجاب زیارت اربعین کدام است؟ جایگاه اربعین در متون کهن ما چیست؟ دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟ آیا زیارت اربعین ریشه دار است؟ نخستین زیارت اربعین در چه زمانی انجام شد و چه کسانی به زیارت اربعین رفته اند؟ پاسخ همه این پرسش ها در این پژوهش درون دینی داده می شود و روشن خواهد شد که زیارت اربعین در وحی الهی و تاریخ صدر اسلام ریشه دارد. سرچشمه زلال زیارت اربعین، حدیث و کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. زیربنای پیدایش زیارت اربعین، دستور خاتم الانبیاء و امامان علیهم السلام بوده و همه چیز با بیان رسول الله و عترت شکل گرفته است. زیارت اربعین پدیده ای الهی و دینی و مبتنی بر گفتار پیامبر و رفتار و گفتار اهل بیت است و شواهد تاریخی و اصول کلامی دارد. در این پژوهش بنیادی و توصیفی تحلیلی کوشش شده است

«مسئله زیارت اربعین» بر اساس حدیث و تاریخ و سیره معصومین تبیین گردد.

شواهد مستقیم و صریح حدیثی و تاریخی زیارت اربعین

با تأمل در متن احادیث صحیح فراوانی که در ستایش زیارت امام حسین علیه السلام و پاداش آن و نکوهش ترک و کوتاهی در زیارت وجود دارد و با درنگ در احادیث معتبری که بیانگر ارزش تکرار و کثرت زیارت سیدالشهدا علیه السلام بود و تحلیل و تبیین شد، مشروعیت زیارت اربعین آشکار گردید. نصوص زیارت قبر امام حسین علیه السلام آن قدر محکم و معتبر است که حتی با نگاهی سریع و سطحی به محتوای آنها حقیقت زیارت اربعین ثابت می شود. افزون بر عموومات و اطلاعات احادیث زیارت که زیارت اربعین را نیز شامل می شود، احادیثی هم وجود دارد که خاص زیارت اربعین است و به صراحت مشروعیت زیارت اربعین را ثابت می کند.

حدیث نشانه های مومن

امام حسن عسگری علیه السلام در تبیین نشانه های اهل ایمان فرموده اند:

علامات المومن خمس: صلاه احدي و الخمسين و زیارة الاربعین و التختم بالیمین و تعفیر الجبین و الجهر بیسم الله الرحمن الرحیم (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۷۵ و ج ۹۸، ص ۳۴۸ و ج ۱۰۱، ص ۱۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳؛ مصباح المتعجد، ص ۵۵۱؛ ابن فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۹۵؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۲؛ سید بن طاووس، ۱۳۵۶ش، ج ۳، ص ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۰۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۷۷ و ج ۴ و ص ۱۴۷۹؛ شیخ مفید، ۱۴۰۳ق، ص ۵۳؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۵ و ص ۱۳۷؛ مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۲۹؛ مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۶۴ و ج ۵، ص ۷۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۲۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۹۵). نشان های مؤمن پنج چیز است:

۵۱ رکعت نماز، و زیارت اربعین، و انگشتر به دست راست کردن، و گذاشتن پیشانی و سجده بر خاک، و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن.

منظور از واژه «مومن»، با توجه به موارد دیگری که به عنوان نشانه‌های مؤمن در این حدیث ذکر شده است، قطعاً مسلمان شیعی است. مراد از ۵۱ رکعت نماز همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای مستحبی نافله است که افزون بر نمازهای فریضه است و نقص و ضعف‌های آنها را جبران می‌کند.

سند مهم و بزرگ زیارت اربعین در این حدیث، جمله «زیارة الاربعین» در کلام امام یازدهم است. بی‌تردید منظور از این جمله، دیدار چهل مؤمن نیست؛ چون این کار به شیعه اختصاص ندارد. قطعاً منظور امام حسن عسکری علیه السلام همان اربعین معروف و معهود نزد مردم بوده است. هم‌ردیف شدن زیارت اربعین با نمازهای واجب و نافله یومیه، اعتبار زیارت اربعین را در سطح نماز بالا می‌برد. نشانه‌های مؤمن و شیعه نخست نماز و سپس زیارت اربعین است. بنابراین همان‌طور که نماز ستون دین و شریعت، و از فروع دین است. زیارت اربعین نیز در عرض آن یک ستون دیگر دین و ولایت و امامت است و به همان میزان ارزش و اعتبار و احترام دارد. این روایت، نص معتبری برای اثبات حقانیت و جایگاه زیارت اربعین در فرهنگ اسلامی است. جمله «زیارة الاربعین» در این حدیث نشان می‌دهد در عصر امام یازدهم زیارت اربعین در تقویم مذهبی شیعیان وجود داشته است. این حدیث تاریخ اربعین را تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام پیش می‌برد و نشان می‌دهد، در عرف جامعه، در هنگام صدور این حدیث، زیارت اربعین رواج داشته است. بنابراین زیارت اربعین در عصر غیبت پدید نیامده است و بدعت نیست. بی‌شک اربعین در تاریخ زندگانی امام یازدهم برای عموم مردم شناخته شده بوده است و امام نیز همان زیارت اربعین جاری در سیره شیعیان را علامت مؤمن دانسته‌اند. این حدیث مستند اصلی و مدرک مهم برای اثبات وجود زیارت اربعین در آموزه‌های اصیل دینی است.

آرای علما در ارتباط با حدیث علامات مؤمن

بسیاری از اندیشمندان و علمای شیعه، حدیث «علامات مؤمن» را در آثار خویش آورده‌اند و معیار ارزش و اعتبار روز اربعین سیدالشهدا قرار داده‌اند. شیخ طوسی در تهذیب الاحکام در باب «فضل زیارة الحسین (علیه السلام)» در اثبات مشروعیت و فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) به همین حدیث علامات مؤمن تمسک کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲). وی در کتاب مصباح المتعبد و سلاح المتعبد روز بیستم ماه صفر را روز ورود جابر به کربلا برای زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌داند و می‌نویسد: «یستحب زیارته فیه و هی زیارة الاربعین»؛ «در روز بیستم ماه صفر زیارت امام حسین (علیه السلام) مستحب است و این زیارت، همان زیارت اربعین است». وی سپس برای اثبات استحباب زیارت اربعین، حدیث علامات مؤمن را ذکر می‌کند (مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، اعمال ماه صفر، ص ۵۵۱). شیخ مفید در کتاب المزار بعد از باب «فضل زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا» در باب «فضل زیارة الاربعین» همین حدیث را ذکر کرده و دلیل فضیلت زیارت اربعین می‌داند (شیخ مفید، ۱۴۰۳ق، ص ۵۳).

ابن مشهدی در المزار الکبیر در عنوان فصل زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) در باب یازده می‌نویسد: فضل زیارته (علیه السلام) فی الاربعین. وی برای فضیلت زیارت اربعین تنها حدیث علامات مؤمن را آورده است (ابن المشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۲). سید بن طاووس در کتاب الاقبال بالاعمال الحسنه در عنوان فصل پنجم می‌نویسد: «فیما نذکره من فضل زیارة الحسین (علیه السلام) یوم العشرین من صفر و الفاظ زیارة بها ترویه من الخبر». برای نشان دادن فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز بیستم ماه صفر همین حدیث را آورده و در پایان حدیث می‌نویسد:

می‌گویم اگر گفته شود چگونه روز بیستم ماه صفر روز اربعین است، زمانی که شهادت امام حسین (علیه السلام) روز دهم محرم باشد، روز دهم نیز شمرده می‌شود و بنابراین ۴۱ روز می‌گردد، گفته می‌شود شاید ماه محرمی که امام حسین (علیه السلام) در آن شهید شده‌اند، ۲۹ روزه و ناقص بوده است، یا ماه تمام بوده است ولی روز شهادت امام حسین (علیه السلام)

در عدد اربعین حساب نشده است؛ چون شهادت امام اوایل روز بوده است و آن روز در عدد چهل روز جای نگرفته است و این تأویل برای عارفان کافی است و آنان به رازهای پروردگار جهانیان در اوقات زیارت ائمه طاهرين آگاه ترند (سید بن طاووس، ۱۳۵۶ش، ج ۳، ص ۱۰۰).

شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه در عنوان بابی که این حدیث را در آن آورده، چنین نوشته است: «باب تاكّد استجاب زیارة الحسین علیه السلام یوم الاربعین من مقتله و هو یوم العشرین من صفر»؛ باب مستحب مؤکد بودن زیارت امام حسین علیه السلام در چهلمین روز شهادت امام، و آن روز، بیستم ماه صفر است». در واقع عناوین باب‌های این کتاب نشان‌دهنده فتاوی شیخ حر عاملی است. بنابراین شیخ حر عاملی زیارت اربعین را مستحب مؤکد می‌شمارد و این حقیقت را از همین حدیث علامات مؤمن استنباط کرده است.

علامه محمدتقی مجلسی در روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، در فضل زیارت سیدالشهدا در روز اربعین به همین حدیث تمسک می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۳۸۸). علامه محمدباقر مجلسی در بحار الانوار در فصل اعمال ماه صفر برای نگارش همین حدیث بابی گشوده است و در عنوان آن باب چنین نوشته است: «اعمال خصوص یوم الاربعین و هو یوم العشرین من هذا الشهر»؛ «اعمال ویژه روز اربعین و آن روز بیستم این ماه (ماه) صفر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۴۸). وی در باب فضل زیارت اربعین نیز فقط همین حدیث را آورده و مدرک فضیلت و اهمیت زیارت اربعین قرار داده است (همان، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶). وی در کتاب دیگرش، زاد المعاد یا مفتاح الجنان ذیل عنوان فی بیان زیاره الاربعین و کیفیتها المخصوصه، روز بیستم ماه صفر را روز اربعین می‌داند و نخست همین حدیث را ذکر کرده و سپس زیارت را نوشته است (همو، ۱۴۲۳ق، ص ۵۲۹).

شهید اول در کتاب المزار می‌گوید: «منها زیاره الاربعین و یوم هو العشرون من صفر». سپس در ادامه، همین حدیث را می‌آورد (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۶). علامه حلی در منتهی

المطلب فی تحقیق المذهب می نویسد:

و تستحب زیارته یوم الاربعین من قتله و هو العشرون من صفر.

زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین از زمان شهادت امام مستحب است و آن، روز بیستم ماه صفر است.

سپس همین حدیث را بیان می کند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۹۵). کفعمی در باب اعمال ماه صفر می گوید: «یستحب بالعشرین منه زیاره الحسین علیه السلام و هی زیاره الاربعین»؛ «در بیستم ماه صفر، زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و آن، زیارت اربعین می باشد (کفعمی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۴).

پیام حدیث امام حسن عسکری علیه السلام

حدیث امام حسن عسکری علیه السلام در موضوع علامات مؤمن، دومین نشانه مؤمن و شیعه را پس از نماز، زیارت اربعین اعلام می کند. همین حدیث مهم ترین سند اثبات اهمیت و استجاب زیارت روز اربعین در بیستم ماه صفر هر سال است. پیش از عاشورای سال ۶۱ قمری، اربعین جلوه ای نداشته است و اربعین در پاسداشت چهلمین روز حماسه حسینی و قیام و شهادت سید الشهداء علیه السلام و اهل بیت و اصحاب باوفای امام پدید آمده و مبدأ و دلیل گسترش آن، گفتار و رفتار اهل بیت، به ویژه حدیث علامات مؤمن بوده است. سال ها پیش از صدور این حدیث، زیارت اربعین بین شیعیان رواج داشته و معهود و مرسوم شده است. این سنت تنها برای سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام مرسوم و مورد توصیه و تأکید بوده است تا آنجا که از سوی امام یازدهم نشانه ایمان معرفی شده است.

اربعین در عصر امام جعفر صادق علیه السلام در سرفصل های فرهنگ زیارت میان عموم شیعیان قرار داشته است و امام صادق علیه السلام نیز متن زیارتی را برای آن روز به پیروان اهل بیت آموزش داده اند. الف و لام در «زیارة الاربعین» در حدیث امام یازدهم، بیانگر همان عهد و رسم دیرپای

جاویدان بین شیعیان است. در این حدیث شریف نشانه‌های رایج در جامعه اسلامی شیعی را گزارش می‌کند. نام بردن از زیارت اربعین پس از نماز که ستون دین است برای نشان دادن ستون ولایت و امامت است که پس از عاشورای سال ۶۱ قمری پدید آمد. زیارت اربعین مثل نماز نشانه مؤمن است. باید نقش‌های مثبت و سازنده این نشانه ایمان را شناخت و در راه آراستگی به سبک زندگی اهل بیت از آن بهره‌برداری کرد.

اما زیارت اربعین چرا و چگونه نشانه مؤمن است؟ در زیارت اربعین آثار سودمند فراوان معنوی نهفته است که بر اساس آنها زیارت اربعین ستون ایمان معرفی شده است. زیارت اربعین چگونه انسان را متدین و مؤمن می‌کند؟ برپایی زیارت اربعین در کربلا جلوه‌های ایمان به خدا را به جهانیان نشان می‌دهد. زائران در زیارت اربعین با رفتار و گفتار امام حسین علیه السلام آشنا می‌شوند و از مکتب اهل بیت درس زندگی می‌گیرند. مؤمن حقیقی هرگز حماسه حسینی را فراموش نمی‌کند. او همواره می‌کوشد سیره و اهداف سیدالشهدا علیه السلام و سبک زندگی آن حضرت را بشناسد و به ایشان نزدیک شود و این از ایمان او برمی‌خیزد.

مراسم اربعین تنها به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد و در اربعین رحلت کس دیگری برنامه مذهبی خاصی وجود ندارد. بنابراین زیارت اربعین یکی از «خصائص الحسینیه» است که از اربعین سال ۶۱ قمری تا امروز پیوسته برگزار شده است و تا روز قیامت هم برپا خواهد شد.

متن زیارت اربعین از امام صادق علیه السلام سند اعتبار مراسم اربعین

صفوان بن مهران جمال گفته است:

قال لي مولاي الصادق علیه السلام في زياره الاربعين: تزور عند ارتفاع النهار وتقول: السلام علي ولي الله وحبيبه... فمعكم معكم لامع عدوكم صلوات الله عليكم و علي ارواحكم و اجسادكم و شاهدكم و غائبكم و ظاهركم و باطنكم آمين رب العالمين و تصلي ركعتين

و تدعو بها احببت و تنصرف ان شاء الله (شيخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳؛ مصباح
 المتهجد، ص ۵۵۱-۵۵۳؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷
 ۵۸؛ سید بن طاووس، ۱۳۵۶ش، ج ۳، ص ۱۰۳-۱۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۳۳۱
 -۳۳۲؛ سید بن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۱، ص ۱۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳؛
 شیخ حر عاملی، بی تا، ص ۳۱۷؛ محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۳۰۳).

مولایم امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین به من فرمود: «زمان بالا آمدن روز، زیارت
 می کنی و می گویی... و دو رکعت نماز می گذاری و به آن چه دوست داری دعا
 می کنی و برمی گردی ان شا الله.

صفوان تصریح می کند که امام صادق علیه السلام برای زیارت اربعین این متن را به وی آموزش
 داده اند. همین تعلیم دادن نشانه بزرگداشت و مشروعیت الهی و مقبولیت زیارت اربعین نزد
 اهل بیت علیهم السلام است. این کلام امام و همین آموزش، استجاب زیارت اربعین را ثابت می کند.
 این زیارتنامه در شناخت ریشه های اعتقادی و دینی مراسم زیارت اربعین راه گشا و بیدارگر
 است. واژه «تزور» در این حدیث یعنی روز اربعین زیارت می کنی و این، نشان می دهد که
 امام صادق علیه السلام روز اربعین را به عنوان روز زیارتی سیدالشهدا به رسمیت شناخته و سپس
 متن زیارتنامه را به صفوان آموزش داده اند. این زیارتنامه سنت زیارت اربعین بین امامیه در
 عصر امام صادق علیه السلام وجود داشته است. از این رو شیعیان دوست داشته اند متن زیارت ویژه
 برای اربعین، از امامان علیهم السلام دریافت کنند و امام صادق علیه السلام به صفوان جمال متن زیارت اربعین
 را آموخته اند تا در روز اربعین قرائت کند. محتوای این زیارتنامه اصول و درس های بسیاری
 برای جهانیان دارد که باید آنها را فهمید و به آنها دست یافت.

سند زیارتنامه

این حدیث مسند است و سلسه راویان تا صفوان جمال و امام صادق علیه السلام وجود دارد و از
 نظر علم رجال صحیح و دارای اعتبار است. شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام، که یکی

از کتب اربع با درجه بالای اعتبار نزد پیروان اهل بیت است، و نیز در کتاب مصباح المتهجد، این حدیث را همراه راویان آن آورده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۸۸). ابن مشهدی، سید بن طاووس، فیض کاشانی، شهید اول، علامه مجلسی و شیخ حرعاملی در آثار خویش این زیارتنامه را ثبت کرده‌اند.

چهل روز گریه جهان بر مصیبت امام حسین علیه السلام

جهان چهل روز بر سیدالشهدا علیه السلام گریست. این حقیقت در احادیث صحیح اهل بیت علیهم السلام گزارش شده و همین احادیث، یکی از دلایل اهمیت بزرگداشت و جایگاه اربعین است. زراره گفته است امام صادق علیه السلام فرمود:

يا زراره ان السماء بكت علي الحسين اربعين صباحا بالدم وان الارض بكت اربعين صباحا بالسواد وان الشمس بكت اربعين صباحا بالكسوف والحره وان الجبال تقطعت وانتشرت وان البحار تفجرت وان الملائكة بكت اربعين صباحا علي الحسين علیه السلام وما اختضبت منا امراه ولا اذهنت ولا اکتحلت ولا رجّلت حتي اتانا رأس عبیدالله بن زیاد و مازلنا في عبره بعده و كان جدّي اذا ذكره بكی حتي تملأ عيناه لحیته و حتي يبكي لبكائه رحمه له من راه و ان الملائكة الذين عند قبره ليكون فيكي لبكائهم كل من في الهواء و السماء من الملائكة (ابن قولويه قمی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۲۶؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۶۷؛ بحرانی اصفهانی، بی تا، ج ۱۷، ص ۴۲۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۱۳).

ای زراره، آسمان تا چهل روز بر حسین علیه السلام خون بارید، و زمین تا چهل روز گریست و تار و تاریک گشت، و خورشید تا چهل روز گریست و گرفت و نورش سرخ بود، و کوه‌ها تکه تکه شدند و پراکنده گشتند، و دریاها روان گردیدند، و فرشتگان تا چهل روز بر امام حسین علیه السلام گریستند، و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب

نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد، تا وقتی سر عیدالله بن زیاد را نزد ما فرستادند، و پیوسته بعد از شهادت امام، چشمان ما اشک بار بود و هرگاه جدم یاد امام می کرد، محاسنش از اشک خیس می شد، به طوری که هرکس ایشان را می دید به حالش ترحم می کرد و از گریه اش به گریه می افتاد، و فرشتگان، که نزد قبر آن حضرت هستند، همگی می گریند و از گریه آنان، تمام فرشتگان در آسمان و زمین می گریند.

در این حدیث چهار بار واژه «اربعین» آمده است و امام معصوم از چهل روز گریستن آسمان و زمین و خورشید و فرشتگان خبر داده است. بنابراین از شهادت امام حسین علیه السلام تا اربعین ایشان جهان سوگوار بوده است. بیان مرز عزاداری و سوگواری برای اباعبدالله علیه السلام از عاشورا تا اربعین از اسناد رسمیت داشتن عزاداری در روز اربعین است. جهان تکوین در نکوهش جنایت های سیاه یزید و عیدالله بن زیاد و عمر سعد، و فداکاری و شهادت امام تا اربعین گریست. بنابراین باید در جهان تشریح نیز قانون عزاداری و حزن و گریستن تا روز اربعین بین انسان ها جاری باشد. پیروان اهل بیت علیهم السلام با آگاهی و معرفت، عزاداری و گریستن تا روز اربعین را برگزیدند. جابر بن عبدالله انصاری گفته است امام باقر علیه السلام فرمود:

ما بکت السماء علی احد بعد یحیی بن زکریا الا علی الحسین بن علی علیه السلام فانها بکت علیه اربعین یوما. (ابن قولویه قمی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۲۱۱).

پس از حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام آسمان بر احدی نگریست جز بر حسین بن علی علیه السلام؛ چه آنکه چهل روز بر امام حسین علیه السلام گریه کرد.

در این حدیث بر گریستن آسمان از عاشورا تا اربعین تصریح شده است. به حکم این حدیث، آسمان که بدون اراده و اذن خالق، هیچ کاری نمی کند، بر مصیبت سیدالشهدا تا اربعین گریسته است. پس مراسم روز اربعین برای هماهنگی عالم تشریح با تکوین ایجاد شده است. عبدالله بن هلال گفته است که شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «ان السماء بکت علی الحسین

بن علی و یحیی بن زکریا و لم تبک علی احد غیرهما؛ «همانا آسمان بر حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام گریست و به هیچ کس غیر آنها گریه نکرده است». عرض کردم: «گریه آسمان چیست و چگونه گریسته است؟» امام فرمود:

مکثوا اربعین یوما تطلع الشمس بحمره و تغرب بحمره. قلت: فذاک بکائها؟ قال: نعم

(ابن قولویه قمی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۲۱۰).

تا چهل روز و تا اربعین سیدالشهدا علیه السلام در سرخی طلوع می کرد و در سرخی غروب می کرد. گفتم: «گریه آسمان همین بود؟» امام فرمود: «آری».

واژه اربعین در این حدیث، الهام بخش شیعیان در بزرگداشت اربعین بوده است. تصریح بر گریه آسمان تا اربعین در عزای امام حسین علیه السلام، باعث ترویج مراسم اربعین شده است. امامیه از درون این احادیث با واژگان اربعین در ارتباط با امام حسین علیه السلام آشنا شده‌اند. پیش از امام حسین علیه السلام واژه اربعین برای هیچ کس به کار نرفته و شناخته شده نبوده است. پاسخ به چگونگی پیدایش اربعین در این احادیث نهفته است و باید از همین نصوص اهل بیت منشأ و هویت اربعین و دلیل اعتبار آن را به دست آورد.

شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی با استناد به حدیث زراره از امام صادق علیه السلام

می گوید:

شاید از وجوهی که برای تاسیس روز اربعین برای سیدالشهدا علیه السلام از سال ۶۱ هجرت و از آن زمان تا حال که شیعه بر این امر همیشه قیام و اقدام کرده و آن را زنده نگهداشته‌اند، آن است که برای سیدالشهدا علیه السلام زمین و آسمان تا چهل روز گریه کرده... از این حدیث شریف که در صحیح ترین کتب حدیث شیعه (کامل الزیارات) نقل شده، استفاده می شود که بکای آسمان و زمین و ملائکه و آفتاب بر سیدالشهدا علیه السلام تا چهل روز، طریقه و عادت را که در میان مردم یک حال استمراری پیدا کرده و بر سید مظلومان، اربعین نگاه می دارند، نشان می دهد. حتی در میان مردم در زمان

فوت کسان خودشان نیز این رویه معمول شده و این سیره مستمره را انجام می‌دهند و احترام آنها را که از دنیا رفته‌اند نگاه می‌دارند، و شیعه تا اربعین آن حضرت از شادی و خشنودی و سرور، خودداری می‌کند... باید مسلمین عموماً و شیعیان خصوصاً در زنده نگه داشتن تاریخ واقعه جان‌گداز کربلا، و در احیای آثار آن دشت پربلا اهتمام تمام به کار ببرید و یکی از مراسمی که باید هر سال تجدید شود، موضوع اربعین است. کیست که از سید مظلومان لایق‌تر باشد که هر سال تا اربعین او آثار و مآثر او را زنده نگاه داشت و در تمامی روزهای زیارتی، تظاهر به زیارت قبر مبارکش برپا نمود؟ و اربعین او را هر سال تجدید کرد؟ تا معلوم نمود چنانچه تا کنون معلوم شده، نهضت سیدالشهدا علیه السلام «غالبیه فی صورۃ المغلوبیه» است و البته فقط به قدردانی از سیدالشهدا علیه السلام اکتفا نکرد؛ بلکه عمده آن است که در هدف با آن حضرت قدم برداشت و در هر زمان شرکت کرد و سرمشق اخذ نمود...

ناگفته نماند اگر سایر مردم بر اموات خودشان در زمان وفات آنها اربعین نگه می‌دارند و در سال‌های دیگر از آن رویه دست بر می‌دارند، چون مزایا و نتایج زندگانی آنها محدود است و آثارش همیشگی نیست و در اندک مدت، هر قدر کار بزرگی را انجام داده باشند، بالاخره منقضی شده و دائمی نیست. بر خلاف آثار و نتایج نهضتی را که سیدالشهدا علیه السلام برپا نموده که مزایای آن تمام شدنی نیست و درس عبرتی است بر آیندگان و سرمشق نهضتی است بر از جان‌گذشتگان؛ بر آنهایی که در راه دین و در احیای شریعت سیدالمرسلین، جان خود را نثار می‌کنند و نفس‌های خود را قربانی می‌دهند... لذا شیعه همیشه در تمامی روزهای اربعین سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام و از آنهاست روز اربعین آن حضرت، در تظاهر به زیارت و اقامه ماتم و عزاداری کوتاهی نکرده و نباید بکنند و از اینجاست که امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین را از علائم ایمان شمرده؛ چون مومن واقعی کسی است که نگذارد آثار و نهضت حسینی فراموش شود و در قدردانی و شرکت در هدف آن حضرت کوتاهی نورزد (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۹ق، ص ۳۸۶-۳۹۰).

می توان از احادیث گریه آسمان و زمین و خورشید و فرشتگان، برداشت تاریخی داشت. امام معصوم در گفتار و رفتار همواره از اشتباه و دروغ و گزارش های غیر واقعی پاک است. امام صادق و امام باقر علیهما السلام از وقایعی در سال ۶۱ قمری خبر داده اند و قطعاً این گریه اتفاق افتاده است و جهانیان و به ویژه مسلمانان و شیعیان مشاهده کرده اند. گریه آسمان و زمین و خورشید محسوس و قابل مشاهده بوده است. این گریه، نمادین و سمبلیک و غیر واقعی نبوده است. برای مسلمانانی که از حماسه حسینی و واقعه عاشورا در کربلا باخبر بودند، امکان درک پیوند این وقایع با سیدالشهدا علیه السلام وجود داشته است. شیعیان و پیروان اهل بیت و کاروان اسیران اهل بیت که سوگوار و عزادار سیدالشهدا بوده اند این وقایع و ربط آن را می فهمیده اند. اربعین از همین احساس و شعور پدید آمده است. گریه آسمان و زمین و خورشید تا اربعین، منشأ تأسیس روز اربعین در تاریخ اسلام و تقویم شیعه گردیده است.

بازگرداندن سر مبارک سید الشهداء علیه السلام به کربلا و الحاق به بدن در روز اربعین

یکی از مدارک بزرگداشت روز اربعین، شهرت بازگرداندن سر مبارک امام حسین علیه السلام توسط اهل بیت به کربلا و دفن در کنار بدن در بیستم ماه صفر است. علامه مجلسی یکی از وجوه احتمالی استحباب زیارت اربعین را با استناد به قول مشهور، همین الحاق سر ابا عبدالله الحسین علیه السلام به بدن به دست امام سجاد علیه السلام بیان کرده و نوشته است:

والمشهور بین الاصحاب ان العله في ذلك رجوع حرم الحسين علیه السلام في مثل ذلك اليوم الي كربلا عند رجوعهم من الشام والحاق علي بن الحسين صلوات الله عليه الروس بالاجساد (مجلسی، ۱۴۰۳ق ج ۱۰۱، ص ۳۳۴).

مشهور نزد اصحاب این است که علت بزرگداشت اربعین، ورود حرم امام حسین علیه السلام در مثل این روز، هنگام بازگشت آنان از شام به کربلا و ملحق ساختن سرهای شهیدان

به جسدها، توسط علی بن الحسین علیه السلام است.

حارث بن کعب از فاطمه دختر امام علی علیه السلام از تحولات تکوینی در جهان و ادامه آن پس از شهادت امام حسین علیه السلام خبر داده و گفته است:

الي ان خرج علي بن الحسين عليه السلام بالنسوه ورد رأس الحسين عليه السلام الي كربلا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۴۰؛ ابن قتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ص ۱۹۲).

تا اینکه علی بن حسین علیه السلام همراه زنان از شام خارج شد و سر امام حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند.

در این گزارش تاریخی از الحاق سر به بدن در کربلا توسط امام زین العابدین علیه السلام خبر داده شده است. قول مشهور در میان علمای امامیه همین است که سر مطهر امام به وسیله امام زمان و امام سجاد علیه السلام به بدن ملحق شد و در کنار بدن دفن گردید. علامه مجلسی اقوال مختلف را درباره دفن سر امام حسین علیه السلام آورده و سپس نوشته است:

المشهور بين علماءنا الاماميه انه دفن رأسه مع جسده رده علي بن الحسين عليه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۴۵)

مشهور بین علمای امامیه این است که سر امام با بدن دفن شد و علی بن حسین علیه السلام سر را به بدن برگرداند.

سید مرتضی در این باره می گوید:

ان رأس الحسين عليه السلام رد الي بدنه بكر بلا من الشام وضم الله (شريف مرتضى، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۳۰)

سر امام حسین علیه السلام از شام به بدن امام در کربلا برگشت و دفن شد و به بدن ضمیمه گردید.

فضل بن حسین طبرسی، نظر سید مرتضی را نقل کرده است (اعلام الوری با علام

الهدی، ص ۲۵۰) و احمد بن علی طبرسی می گوید: «برخی از اصحاب ما گفته اند که سر از شام بازگردانده شد و به بدن ملحق گردید» (تاج الموالید فی موالید الائمه و وفیاتهم، ص ۳۳). این شهر آشوب قول سید مرتضی را آورده و سپس نوشته است: «وقال الطوسی: ومنه زیارة الاربعین»؛ «شیخ طوسی گفته است به همین سبب (الحاق سر به بدن)، زیارت اربعین پدید آمده است» (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۹).

سید بن طاووس نوشته است: «اما سر امام حسین علیه السلام روایت کرده اند که برگردانده و در کربلا با جسد شریفش دفن شد و عمل اصحاب هم مطابق با همین است». ابن نما حلی نیز نوشته است: «آنچه در میان اقوال می توان به آن اعتماد کرد، این است که بعد از آنکه سر امام در شهرها گردانده شد، به بدن بازگردانده و با جسد دفن شد» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۷). ملا حسین واعظ کاشفی نوشته است: «امام زین العابدین علیه السلام سر پدر بزرگوار خود را با سرهای دیگر تحویل گرفت و به کربلا رفت و در بیستم ماه صفر سر آن سرور به بدن انضمام یافت» (کاشفی، ۱۳۴۱ش، ص ۳۹۱). شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی در کتابی که برای رد شبّهات منکران حضور اهل بیت در اولین اربعین در کربلا نوشته است در این موضوع، چنین عنوانی دارد: «ملحق کردن امام سجاد علیه السلام سر اطمینان سید الشهداء علیه السلام را به جسد مبارک بعد از چهل روز». ایشان در آنجا می گوید:

و از شواهد آمدن اسرای خاندان نبوت در بیستم ماه صفر هجرت در اربعین اول به کربلا عبارت از ملحق ساختن سر مبارک سید الشهداء علیه السلام به جسد اطمینان و انورش در کربلاست که جمعی تصریح کرده اند رأس مطهر بعد از چهل روز از شهادت ملحق به بدن اطهر شده است. مشهور میان علمای امامیه رضوان الله علیهم آن است که رأس اطهر و اطمینان سید الشهداء علیه السلام را در اربعین اول، بیستم ماه صفر ۶۱ق، حضرت سجاد علیه السلام با سایر اهل بیت از شام وارد کربلا نموده و سرهای مقدس شهدا را به

بدن‌های آنها ملحق کرده است (قاضی طباطبایی، ۱۳۹۸ق، ص ۳۰۴ - ۳۰۵).

در میان مورخان اهل سنت نیز برخی همین دیدگاه را برگزیده‌اند. ابوریحان بیرونی نوشته است:

وفي العشرين رد رأس الحسين عليه السلام الي جثته حتي دفن مع جثته وفيه زياره الاربعين وهم حرمه بعد انصرفهم من الشام (الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۳۳۱).

در روز بیستم صفر، سر حسین عليه السلام به بدنش ملحق، و در همان مکان دفن شد و زیارت اربعین نیز در این روز (بیستم صفر) بوده است و آنان چهل نفر از اهل بیت او بودند که پس از بازگشت از شام، قبر امام را زیارت کردند.

بیرونی در این گزارش، وجه نام‌گذاری اربعین را بازگرداندن سر امام حسین عليه السلام از شام و دفن با بدن می‌داند.

سبط ابن جوزی مشهورترین قول را گفته هشام کلبی و غیر او دانسته که معتقدند سر را با اسرا به مدینه بردند و سپس به کربلا بازگرداندند (تذکره الخواص، ص ۲۶۵). قرطبی در این باره نوشته است:

امامیه می‌گویند سر حسین عليه السلام پس از چهل روز به کربلا بازگردانده و به بدن ملحق شد و این روز نزد آنان معروف است و زیارت در آن روز را زیارت اربعین می‌نامند (قرطبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۸).

قزوینی نوشته است:

روز اول ماه صفر، عید بنی امیه است چون در آن روز سر حسین عليه السلام را به دمشق وارد کردند. در روز بیستم آن ماه سر او به بدن بازگردانده شد (قزوینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۹).

نویری نیز قول الحاق سر به بدن را در میان اقوام دیگر ذکر کرده و افزوده است که قائلان به الحاق، دو دسته‌اند: گروهی معتقدند که یزید پس از چهل روز سر را به بدن بازگرداند، و

گروه دیگر بر این باورند که این الحاق در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز بوده است (ر.ک: نویری، ۱۴۲۴ق، ج ۲۰، ص ۳۰۰).

مناوی در فیض القدیر (مناوی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۵) شبراوی در الاتحاف بحب الاشراف (شبراوی شافعی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۷)، ابن صبان در اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی وفضائل اهل بیته الطاهرین، (صبان، ۱۲۹۰ق، ص ۱۹۸) و شبلنجی در نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار (شبلنجی، ۱۲۹۰ق، ص ۱۳۳) نوشته‌اند: «امامیه می‌گویند پس از چهل روز از شهادت، سر به بدن بازگردانده شد و در کربلا دفن گردید».

گرچه اقوال درباره سر امام حسین علیه السلام مختلف است، اما چنان‌که ملاحظه شد، براساس گزارش‌های یادشده، قول دفن امام در کربلا، مشهورترین قول میان شیعیان و اهل سنت است. یک وجه و دلیل استحباب زیارت اربعین و یک سند برای بزرگداشت اربعین امام حسین علیه السلام همین بوده است که سر اباعبدالله الحسین علیه السلام به دست امام سجاد علیه السلام در روز اربعین به کربلا بازگردانده شد و به بدن ملحق، و با بدن دفن شد و این روز «مردّ الراس» نامیده شده است. گرچه در برخی منابع نام آورنده سر و دفن‌کننده آن ذکر نشده، تاریخ بازگشت سر و الحاق آن به بدن را بیستم صفر می‌دانند؛ چون دفن امام معصوم جز به دست امام معصوم انجام نمی‌شود و دفن سر مطهر امام معصوم نیز همچون دفن بدن مطهر است، پس بازگردان سر و دفن آن در کنار بدن، به دست فرزند امام حسین علیه السلام، حضرت زین العابدین علیه السلام، تحقق یافته است، و چون در غیر از اربعین سال ۶۱ قمری آمدن امام سجاد علیه السلام به کربلا ذکر نشده است، بنابراین الحاق سر امام حسین علیه السلام به بدن، در بیستم صفر (روز اربعین) در کربلا توسط امام چهارم اتفاق افتاده است.

در مجموع از آنچه گذشت، روشن شد که روز الحاق سر امام حسین علیه السلام به بدن در کربلا، روز اربعین بوده است و الحاق سر به بدن نیز به دست امام معصوم انجام شده است. این واقعیت

تاریخی نیز از اسباب و اسناد ارزش و اعتبار زیارت اربعین، و ملاک استحباب آن است.

زیارت اربعین اهل بیت در بیستم صفر سال ۶۱، سند استحباب زیارت اربعین

اهل بیت امام حسین علیه السلام با همراهی امام سجاد و امام باقر علیهما السلام و زینب کبری علیها السلام، در اربعین اول امام حسین علیه السلام، در بیستم صفر سال ۶۱ قمری، به زیارت سید الشهداء علیه السلام در کربلا رفته‌اند. همین رخداد تاریخی بزرگ، دلیل و علت استحباب زیارت اربعین است. گرچه برخی دانشمندان شیعه نظریه ورود اهل بیت به کربلا را در اربعین اول بعید یا محال شمرده‌اند، اما با توجه به اسناد و مدارک تاریخی و شواهد و قراینی که برای حضور اهل بیت در کربلا وجود دارد، این تردید و استبعاد و محال شمردن، رد می‌شود و باید پذیرفت که اهل بیت در روز بیستم صفر سال ۶۱ قمری به زیارت امام حسین علیه السلام موفق شده‌اند (ر.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۹۸ق؛ پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۵ش، ج ۲، ص ۲۷۹-۳۱۰).

سید بن طاووس نوشته است:

لما رجع نساء الحسین علیه السلام و عیاله من الشام وبلغوا الی العراق، قالوا للدلیل: مر بنا علی طریق کربلاء. فوصلوا الی موضع المصر، فوجدوا جابر بن عبدالله الانصاری و جماعه من بنی هاشم و رجالا من آل الرسول وردوا لزیاره قبر الحسین علیه السلام فوافوا فی وقت واحد، وتلاقوا بالبکاء والحزن و اللطم، واقاموا الماتم المقرحه للاکباد واجتمعت الیهن نساء ذلک السواد، واقاموا علی ذلک ایاما (سید بن طاووس، بی تا، ص ۳۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۴۶).

چون اهل بیت امام حسین علیه السلام و زنان و عیال امام از شام به عراق رسیدند، به راهنمای کارروان گفتند: «ما را از راه کربلا عبور بده». هنگامی که اهل بیت به قتلگاه رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردان خاندان رسول خدا را ملاقات کردند که برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده بودند. همه شروع به گریه و اندوه و

ناله کردند و به صورت هایشان می زدند و به گونه‌ای عزاداری و نوحه سرایی می کردند که جگرها را آتش می زد. زنان منطقه عراق نیز نزد اهل بیت آمدند و آنان نیز چند روزی عزادای کردند.

همین گزارش را ابن نما حلی به اختصار نقل کرده است (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۷). علامه محسن امین نیز همین بیان را پذیرفته و در کتاب خود آورده است (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۱۷) و محمدجواد ذهنی تهرانی نیز همین بخش از تاریخ را گزارش نموده است (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۷ش) محدث متتبع، حاج ملاباقر بهبهانی، گزارش حضور اهل بیت در کربلا را به تفصیل آورده است (الدمعه الساکبه فی احوالات سید الشهداء، ص ۲۹۱؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۹۷-۲۹۸). گرچه در این گزارش از زمان این زیارت یاد نشده است ولی تردیدی نیست که زیارت جابر در روز اربعین بوده است، پس این زیارت و ملاقات جابر و کاروان اهل بیت نیز در روز اربعین انجام شده است. همان طور که پیش از این آمد، ابوریحان بیرونی به رسیدن حرم امام حسین علیه السلام از شام به کربلا تصریح کرده است و همان را وجه تسمیه زیارت اربعین می داند و از ظاهر عبارت وی بر می آید که مقصود وی، بیستم صفر ۶۱ قمری بوده است (الاثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۳۳۱).

مستوفی هروی از مورخان قرن هشتم و مترجم کتاب الفتوح ابن اعثم بر این باور است که علی بن الحسین علیه السلام با سایر اهل بیت در روز بیستم صفر در کربلا حضور داشته است (ابن اعثم، ۱۳۷۲ش، ص ۹۱۶).

مؤلف نور العین بر آن است که اهل بیت امام، روز بیستم صفر در کربلا حضور داشته و در آنجا جابر و گروهی از اهل مدینه را ملاقات کرده‌اند (نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام، ص ۷۲). شیخ بهایی می گوید:

روز نوزدهم (بیستم) از صفر، زیارت اربعین اباعبدالله الحسین علیه السلام است و این روز که

چهل روز از شهادت امام می گذشت، روز ورود جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر حضرت است و آن روز با روز ورود اهل بیت امام از شام، یکی شده است؛ در حالی که آنان آهنگ رفتن به مدینه داشتند (بهائی عاملی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۰).

میرزا محمد اشراقی معروف به ارباب، پس از بیان گزارش طبری در بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، درباره زیارت جابر می نویسد:

در این خبر معتبر مذکور نیست که زیارت جابر در روز اربعین بوده یا روز دیگر و نیز ذکر نشده که زیارت جابر در سال اول شهادت بوده یا بعد؛ لکن مذکور در کتب شیعه، تحقق دو امر (زیارت جابر در اربعین سال اول) است. در هر حال بسیاری ورود اهل بیت را به کربلا در روز اربعین ذکر کرده اند، از عامه و خاصه، ... و در سیره و تاریخ محفوظ است که بعد از سال شهادت، اهل بیت مسافرتی به عراق نموده اند (اشراقی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۰۵).

شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی، همه شبهات محدث نوری را که رسیدن اهل بیت را به کربلا در روز اربعین انکار کرده است، پاسخ علمی و منطقی داده و دلایل زیادی برای امکان ورد اهل بیت در اربعین سال ۶۱ قمری به کربلا آورده است (ر.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۹۸ق).

سفر زیارتی کاروان اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا برای زیارت اربعین سید الشهداء، سند و شاهد اساسی استحباب زیارت اربعین است؛ چون در آن کاروان، امام زمان در ۶۱ قمری، امام زین العابدین علیه السلام حضور داشته اند. آمدن امام معصوم در اول اربعین به کربلا، نشان دهنده استحباب زیارت اربعین است. عمل و سیره معصومین علیهم السلام همچون قول و گفتارشان حجت شرعی است. بی تردید امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام و زینب کبری علیه السلام در کاروان اسرای اهل بیت بوده اند و همپای هم در کوفه و شام و کربلا، در همه منازل حضور داشته اند. امام سجاد علیه السلام با کاروان اهل بیت روز بیستم ماه صفر ۶۱ قمری در اربعین اول به کربلا آمده اند و

زیارت اربعین از آن پدید آمده و سنت شده است. حضور اهل بیت در اول اربعین در کربلا سند و منشأ اعتبار و حقانیت و اصالت زیارت اربعین است. پس زیارت اربعین از نظر تاریخی در قرن اول قمری ریشه دارد و زیارتی دیرپا و ابدی است.

نقش جابر بن عبدالله انصاری در زیارت اربعین

سفر زیارتی جابر بن عبدالله انصاری در اربعین امام حسین علیه السلام از مدینه به کربلا در تاریخ اسلام و تقویم شیعه، از رخدادهای مشهور پس از عاشورای سال ۶۱ قمری است.

جابر از اصحاب بزرگ و برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله و از پیشگامان تشیع و از اصحاب پنج امام معصوم، از امیرالمؤمنین علیه السلام تا امام محمد باقر علیه السلام، بوده است (معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۳۰). ذهبی جابر را فقیه و مفتی مدینه در زمان خود معرفی کرده است (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۰۰).

عطیه بن سعد بن جناده عوفی یکی از تابعان و محدثان و مفسران بزرگ شیعه است. وی توفیق همراهی جابر را در زیارت قبر امام حسین علیه السلام داشته است. او در زمان خلافت امیر مؤمنان دیده به جهان گشود. درباره انتخاب نامش گفته‌اند پدرش از امام علی علیه السلام خواست نامی برای او انتخاب کند. حضرت فرمود: «هذا عطیه الله!»؛ «او هدیه خداوند است». از این رو نام او را عطیه گذاشتند. او در زمان حجاج بن یوسف، حاضر نشد امام علی علیه السلام را لعن کند و شلاق خورد و موی سر و ریشش را تراشیدند (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۰۴؛ طبرسی، ۱۳۵۸ق، ص ۱۲۸). عطیه تفسیر قرآنی داشته است که در پنج جزء گرد آمده بوده. وی می‌گوید: «من سه بار تفسیر قرآن، و هفتاد بار قرائت قرآن را بر ابن عباس عرضه داشتم» (شیخ عباس قمی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۲۹۶).

زیارت اربعین صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله، جابر بن عبدالله انصاری در روز بیستم صفر سال ۶۱ قمری را شیخ مفید (مسار الشیعه، ص ۶۴)، شیخ طوسی (مصباح المتهجد، ص ۵۵) و علامه

حلی (العدد القویه، ص ۲۱۹) پذیرفته و در تاریخ روز بیستم ماه صفر سال ۶۱ قمری نوشته‌اند:

هو الیوم الذی ورد فیہ جابر بن عبد الله انصاری صاحب رسول الله ﷺ من المدینہ الی کربلاء لزیارة قبر ابي عبد الله علیه السلام فکان اول من زاره من الناس و یتحجب زیارته فیہ و هی زیارت الاربعین.

در این روز جابر بن عبدالله انصاری از مدینه به کربلا وارد شد و او نخستین کسی از مردم بود که قبر امام حسین را زیارت کرد و زیارت امام حسین علیه السلام در این روز مستحب است و آن زیارت اربعین است.

گزارش زیارت اربعین سیدالشهدا علیه السلام از سوی جابر بن عبدالله انصاری با دو روایت آمده است: نخست نقل ابو جعفر محمد بن ابوالقاسم طبری امامی، از دانشمندان قرن ششم است که در کتاب بشارة المصطفی لشیعة المرتضی به تفصیل و به طور مسند، داستان زیارت جابر و عطیه عوفی را نقل کرده است. اما در آن سخنی از ملاقات وی با اهل بیت امام حسین علیه السلام نیست؛ روایت دوم، گزارش سید بن طاووس است که زیارت جابر و جمعی از بنی هاشم را به اختصار آورده؛ اما جریان ملاقات جابر را با اسرای اهل بیت، که از شام بازمی‌گشتند، به آن افزوده است (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۵ ش، ج ۲، ص ۳۸۰).

ابو جعفر محمد بن ابی القاسم طبری با سندش از عطیه بن سعد بن جناده عوفی چنین نقل کرده است:

خرجت مع جابر بن عبد الله الانصاري زائرین قبر الحسين علي بن ابي طالب، فلما وردنا کربلا دنا جابر من شاطي الفرات (طبرسی امامی، ۱۳۸۳ ق، ص ۷۴-۷۵؛ شیخ عباس قمی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۳۹۳).

با جابر بن عبدالله انصاری به قصد زیارت قبر حسین بن علی بن ابی طالب به راه افتادیم. چون به کربلا رسیدیم، جابر به سوی فرات رفت و غسل کرد؛ سپس پارچه‌ای به کمر بست و پارچه‌ای به دوش انداخت و عطر زد و آن‌گاه ذکر گویان

به سوی قبر امام رفت. وقتی نزدیک قبر شد گفت: «دستم را بگیر و روی قبر بگذار». من دستش را روی قبر گذاشتم. جابر خود را روی قبر انداخت و آن قدر گریه کرد که بی‌هوش شد. من بر او آب پاشیدم تا به هوش آمد. آن‌گاه سه بار گفت: «یا حسین». سپس گفت: «دوست پاسخ دوستش را نمی‌دهد؟». بعد ادامه داد: «اما چگونه پاسخ دهی، درحالی که رگ‌های گردنت را بریده و بین سر و بدنت جدایی انداخته‌اند. گواهی می‌دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و پسر سرور مؤمنان و هم‌پیمان تقوا و از نسل هدایت و پنجمین نفر از اصحاب کسایی؛ فرزند سرور نقیبان و پسر فاطمه علیها السلام سرور زنانی، و چرا چنین نباشی که سالار پیامبران با دست خویش غذایت داده و در دامان متقین تربیت شده‌ای و از سینه‌ایمان شیر خورده‌ای و از دامان اسلام برآمده‌ای. خوشا به حالت در زندگانی و در مرگ. اما دل‌های مؤمنان در فراق تو ناخشنودند، اما شک ندارند که آنچه بر تو گذشت، خیر بوده است. سلام و خشنودی خدا بر تو باد. شهادت می‌دهم که تو همان راهی را رفتی که برادرت یحیی بن ذکریا پیموده.

آن‌گاه نگاهی به اطراف قبر افکند و گفت: «سلام بر شما ای جان‌های پاک که در آستان حسین فرود آمدید. گواهی می‌دهم که شما نماز را برپا داشتید و زکات پرداختید؛ امر به معروف و نهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد نمودید و خدا را پرستیدید تا آنکه مرگ شما فرارسید. سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد، ما در راهی که رفتید، شریک شما ایم.»

به جابر گفتم: «چگونه با آنان شریکیم، درحالی که نه با آنان دشتی پیمودیم و نه از بلندی و کوهی بالا رفتیم و نه شمشیر زدیم؛ اما اینان سر از پیکرهایشان جدا شد؛ فرزندان‌شان یتیم، و همسرانشان بیوه شدند؟».

جابر گفت: «ای عطیه، از حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «هر کس گروهی را دوست بدارد، در عمل آنان شریک است. سوگند به آنکه محمد صلی الله علیه و آله را به حق به

پیامبری فرستاد، نیت من و نیت یارانم، همان است که امام حسین علیه السلام و اصحابش داشتند. مرا به سوی خانه‌های کوفیان ببر». چون مقداری راه رفتیم، جابر به من گفت: «ای عطیه، به تو وصیتی بکنم؟ گمان نکنم پس از این سفر، دیگر تو را ببینم. دوستدار خاندان محمد صلی الله علیه و آله را دوست بدار، تا وقتی در دوستی باقی است. دشمن خاندان محمد صلی الله علیه و آله را نیز تا زمانی که دشمنی می‌کند، دشمن بدار، هرچند اهل نماز و روزه بسیار باشد. با دوستدار آل محمد صلی الله علیه و آله مدارا کن، که هرچند به سبب گناهانش گامی بلغزد، گام دیگرش با محبت این خاندان ثابت میماند، دوستدار آل محمد صلی الله علیه و آله به بهشت می‌رود و دشمنشان به دوزخ.

عمل جابر، صحابی موثق و مورد اعتماد رسول الله صلی الله علیه و آله و پنج امام علیهم السلام، برای اعتباربخشی به زیارت اربعین سند و مدرک بسیار بزرگی است. جابر از سیره نبوی و علوی و اهل بیت آگاه بود و احادیث زیادی را از معصومین علیهم السلام نقل کرده است و عمل و گفتار وی از کار بیهوده پاک بوده است. او با حجت شرعی کار می‌کرد از این رو عمل او در زیارت اربعین، روشنگر اصالت این زیارت است. گام‌های این صحابی و تابعی در زیارت اربعین، راهنمای شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام شده است و این زیارت وی شهادی بر حقانیت زیارت اربعین است. او در تاریخ زندگی‌اش پس از این زیارت به محضر امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام رسیده و همواره از وفاداران اهل بیت مانده است. اینها درستی کار وی و قابلیت اسوه شدن رفتار او را نشان می‌دهد. زیارت اربعین از نام جابر جدایی ناپذیر است. او با الهام از امامان در تأسیس این زیارت نقش داشته است. همزمانی زیارت اربعین جابر با زیارت اهل بیت، به ویژه امام زین العابدین علیه السلام، درستی تصمیم وی را آشکار می‌سازد. او از مدینه، و امام سجاد علیه السلام از شام برای زیارت سید الشهداء علیه السلام به کربلا آمدند. این هماهنگی ارزش فراوان زیارت اربعین را نشان می‌دهد. بنابراین زیارت اربعین سنت و مستحب است و روز بیستم ماه صفر (اربعین حسینی) روز زیارتی پایدار است.

نتایج تحقیق

با مطالعات حدیثی و تاریخی در حوزه زیارت اربعین، روشن شد که این زیارت در قرن اول هجری قمری پدید آمده است و در قرآن و حدیث و سیره معصومین علیهم‌السلام و اصحاب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ریشه دارد. اسناد و شواهد اصالت و ارزش و اعتبار زیارت اربعین زیاد است. برای اثبات زیارت اربعین اسناد و شواهد عام، و مدارک و شواهد خاص وجود دارد. آیات اعتبار زیارت در قرآن، و آیات و احادیث ارزش پیاده‌روی در حج و زیارت بیت الله الحرام، و جایگاه عالی قبر سیدالشهدا علیه‌السلام و کربلا و برتری آن بر کعبه، و احادیث روشنگر فضیلت‌ها و امتیازات زیارت امام حسین علیه‌السلام در کلام پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و احادیث فراوان اهل بیت در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام، و احادیث ارزش تکرار و تکثیر زیارت سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، و احادیث نکوهش و تقبیح ترک زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام و کوتاهی در آن، و احادیث فراوان بیانگر اجر و پاداش فراوان زیارت پیاده امام حسین علیه‌السلام همه از مدارک و شواهد عمومی اعتبار و اصالت زیارت اربعین است.

تحقیقات نشان داد اسناد و شواهد صریح و مستقیم نیز در خصوص زیارت اربعین وجود دارد. «حدیث امام حسن عسکری علیه‌السلام در تبیین علامات مؤمن»، و «تعلیم زیارت اربعین از سوی امام صادق علیه‌السلام به صفوان جمال»، «حوادث تکوینی گریستن آسمان و زمین و خورشید و فرشتگان از عاشورا تا اربعین»، «الحاق رأس الحسین علیه‌السلام به دست امام سجاده علیه‌السلام به بدن در کربلا در اربعین» و «آمدن اهل بیت در نخستین اربعین به کربلا برای زیارت اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام» و «آمدن صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و چهار امام علیهم‌السلام، جابر بن عبدالله انصاری، و عطیه در اربعین اول به کربلا برای زیارت قبر سیدالشهدا علیه‌السلام» شش سند و مدرک مهم برای اثبات استحباب زیارت اربعین و ارزش و احترام آن است. بنابراین نکوداشت اربعین و برپایی آیین اربعین میان شیعیان در منابع دینی ریشه دارد و نه تنها بدعت نیست، بلکه دستور دین و پیشوایان دینی است.

زیارت اربعین عامل احیای ارزش‌های دینی و پایداری درس‌های عاشورا و قیام سیدالشهداست. با زیارت اربعین، آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام و پیام و فلسفه انقلاب کربلا به جهانیان می‌رسد و در زندگی مردم جریان می‌یابد. این آیین بی‌نظیر جهانی را باید پاسداشت و در بزرگداشت آن کوشش کرد. زائران اربعین، به ویژه زائران پیاده، اسوه‌های اظهار محبت و عشق به اهل بیت‌اند. آنان برای احترام و محبت به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان، امام علی علیه‌السلام و فاطمه الزهراء علیها‌السلام و امامان علیهم‌السلام و امام مهدی ، از سرزمین‌های دور و نزدیک، به ویژه از نجف، به کربلا می‌روند تا راه و رسم اباعبدالله الحسین علیه‌السلام زنده و پایدار بماند.

منابع و مأخذ

۱. ابن اعثم، ابومحمد احمد بن ميثم (۱۳۷۲ش)، **الفتوح**، ترجمه محمد بن احمد مستوفی، تصحيح غلامرضا طباطبائی محمد، تهران، انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامي.
۲. ابن سعد بن منيع (۴۱۴ق)، **الطبقات الكبرى**، تصحيح محمد بن صامل سلمی، طائف، مكتب الصديق.
۳. ابن قتال نيشابوری، محمد ابن احمد (۱۳۷۵ش)، **روضة الواعظین و بصيره الواعظین**، با مقدمه سيدمحمد مهدي خراسان، قم، شريف رضى.
۴. ابن قولويه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى (۱۳۸۱ش)، **کامل الزيارات**، ترجمه سيد محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، گنجینه ذهنی.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۴۱۹ق)، **المزار الكبير**، تصحيح جواد قيومي اصفهانی، قم، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۶. ابن نما حلی، نجم الدين جعفر بن محمد (۴۰۶ق)، **مثير الاحزان**، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام.
۷. اشراقي، ميرزا محمد (۱۳۷۹ش)، **الاربعين الحسينيه**، تهران، اسوه.
۸. امام خميني (۱۳۸۱ش)، **مناسک حج**، با حواشی مراجع معظم تقليد، قم، مشعر، چاپ ششم.
۹. امين، محسن (۱۴۰۳ق)، **اعيان الشيعة**، تحقيق حسن امين، بيروت، دار التعارف المطبوعات (قطع رحلی).
۱۰. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان (۴۱۳ق)، **مدينة معاجز الائمة الاثني عشر عليهم السلام**، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، چاپ اول.
۱۱. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (بی تا)، **عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال**، تحقيق محمد باقر موحد ابطحي اصفهانی، قم، مؤسسة الامام مهدي .
۱۲. بهايی عاملی، بهاء الدين محمد (۴۰۶ق)، **توضیح المقاصد**، به اهتمام سيد محمود مرعشی، قم، کتابخانه آيت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۳. پیشوايي، مهدي و گروهی از تاريخ پژوهان (۱۳۹۵ش)، **تاريخ قيام و مقتل جامع سيدالشهدا عليه الشهدا**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني رضوان الله تعالى عليه.

۱۴. حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۸ق)، العدد القویه و رفع المخاوف الیومیه، تحقیق مهدی رجایی، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۵. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۰۹ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۶. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد (۱۳۸۷ش)، مقتل الحسین علیه السلام از مدینه تا مدینه، تهران، پیام حق، چاپ چهارم.
۱۷. رضایی، رضا (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات سیاسی معاصر در رسانه های خبری، عربی فارسی، مشهد، مرندیز و دانشگاه سیستان و بلوچستان، چاپ اول.
۱۸. سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۸ق)، الاقبال بالاعمال الحسنه، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، مصباح الزائر و جناح المسافر، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۰. شبراوی شافعی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۳ق)، الاتحاف بحب الاشراف، تحقیق سامی الغیری، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. شبلنجی، سید مؤمن بن حسن (۱۲۹۰ق)، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، قاهره، نشر عبدالحمید احمد حنفی.
۲۲. شریف مرتضی، ابوالقاسم علی بن طاهر (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، دارالقرآن الکریم.
۲۳. شهید اول، محمدبن مکی عاملی (۱۴۱۰). المزار فی کیفیه زیارات النبی و الائمه علیهم السلام، تحقیق محمدباقر ابطحی اصفهانی، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، هدایه الامه الی احکام الائمه علیهم السلام، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، نوید.

٢٦. شيخ صدوق، ابو جعفر، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمى (١٤٣١ق)، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، طبعه نور.
٢٧. شيخ طوسى، محمد بن الحسن (١٤٠٧ق)، **تهذيب الاحكام**، تحقيق حسن موسوى خراسان، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
٢٨. شيخ مفيد، محمد بن محمد (١٤٠٣ق)، **المزار يا مناسك المزار**، تصحيح محمدباقر ابطحى، قم، كنگره جهانى شيخ مفيد.
٢٩. صبآن، محمد بن على (١٢٩٠ق)، **اسعاف الراغبين فى سيرة المصطفى و فضائل اهل بيته الطاهرين**، (چاپ شده در حاشيه كتاب نور الابصار فى مناقب آل بيت النبى المختار)، قاهره، نشر عبدالحميد احمد حنفى.
٣٠. طبرسى، ابو على فضل بن حسن (١٣٩٩ق)، **اعلام الورى باعلام الهدى**، تصحيح على اكبر غفارى، بيروت، دار المعرفه.
٣١. طبرسى، ابو منصور احمد بن على (١٤٠٦ق)، **تاج المواليد فى مواليد الائمة و وفياتهم**، قم، مكتبه آيت الله العظمى مرعشى نجفى.
٣٢. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير (١٣٥٨ق)، **المنتخب من كتاب ذيل المذيل**، بيروت، مؤسسه العلمى.
٣٣. طبرى امامى، ابو جعفر محمد بن ابى القاسم على (١٣٨٣ق)، **بشارة المصطفى لشيعه المرتضى**، نجف، مكتب الحيدريه.
٣٤. علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى (١٤١٢ق)، **منتهى المطلب فى تحقيق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، چاپ اول.
٣٥. فيض كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى (١٤٠٦ق)، **وافى**، اصفهان، كتابخانه اميرالمؤمنين على عليه السلام.
٣٦. قاضى طباطبايى، سيد محمد على (١٣٩٨ق)، **تحقيق درباره اول اربعين حضرت سيدالشهدا عليه السلام**، تبريز، شفق، چاپ دوم.
٣٧. قرطبى، محمد بن احمد (بى تا)، **التذكرة فى امور الموتى و امور الاخره**، بيروت، دارالكتب الاسلاميه.

۳۸. قزوینی، زکریا بن محمد (بی تا)، عجائب المخلوقات و الحيوانات و غرائب الموجودات (در حاشیه کتاب حیوة الحیوان الکبری، نوشته کمال الدین امیری، بی جا، بی نا).
۳۹. قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران، دار الاسوه للطباعه و النشر.
۴۰. کاشفی، ملاحسین واعظ (۱۳۴۱ش)، روضة الشهداء، بتصحیح محمد رمضان، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۴۱. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی (۱۳۲۱ق)، جنة الامان الواقیه و جنة الایمان الباقیه، معروف به مصباح الکفعمی، طهران، مدرسه فخریه.
۴۲. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۳ق)، البلد الامین و الدرع الحصین من الادعیه و الاعمال و الاوراد و الاذکار، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
۴۳. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی، بیروت، دارصعب و دار التعارف للمطبوعات.
۴۴. مازندرانی، محمدهادی بن محمد صالح (۱۴۲۹ق)، شرح فروع الکافی، تصحیح محمدجواد محمودی و محمدحسین درایتی، قم، درر الحدیث للطباعه و النشر.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد، تصحیح علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار، تصحیح مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۸. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم، مؤسسه فرهنگ اسلامی کوشان پور.
۴۹. مناوی، محمد عبدالرؤف (۱۴۱۵)، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، تصحیح احمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.

۵۱. نویری، شهاب‌الدین احمد (۱۴۲۴ق)، *نهایه الارب فی فنون الادب*، تحقیق عبدالحمید ترحینی و عماد علی حمزه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۵ش)، *فرهنگ قرآن*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.